

جای خالی روزنامه‌نگاری مستقل در روایت ایزده

حسین نورانی‌نژاد

وقوع دو قتل دلخراش در ایزده و در زادروز کیان پیرفلک، بار دیگر وجدان عمومی جامعه را آزرده و درگیر ابعاد مختلف آن کرد. درباره این حادثه و ابعاد سیاسی - امنیتی آن و پیش‌بینی‌پذیری چنین اتفاقی و تداوم خشونت‌ها و راه‌های کنترل آن جای گفت‌وگوهای زیادی هست، اما يك مساله مقدم بر این مباحث وجود دارد و آن مطلع شدن از اصل واقعیت حادثه رخ داده است. در این ماجرا چه گذشت، طرفین ماجرا چه می‌گویند و افراد محلی و بیطرف چه روایتی دارند. اینها کار گزارشگری ژورنالیستی است. احتمالا هیچ رسانه مستقلی امکان یا تمایلی برای این کار نداشته باشد. هنوز از درد آخرین انجام وظیفه این گونه رها نشده‌ایم و نیلوفر حامدی و الهه محمدی دقیقا در پی چنین انجام وظیفه‌ای ماه‌هاست در بازداشت به سر می‌برند. شاید گفته شود اتهامات آنها موارد دیگری بوده است. بسیار خب؛ ولی پیرو انجام وظیفه روزنامه‌نگاری خود گرفتار بازداشت و پرونده قضایی شده‌اند و گرنه همان موارد دیگر هم که ادعا می‌شود، امروز برایشان موجب دردسر نشده بود. بگذریم. حالا باید به روایت چه کسی در این باره اعتماد کنیم؟ نیروی انتظامی که يك طرف دعواست. صدا و سیما هم همین طور. نهادهای رسمی دیگر به همین ترتیب. چه نهاد مستقلی برای روایت بیطرفانه وجود دارد که اکثریت خاکستری و دغدغه‌مند حقیقت آن را باور کند؟ نقش نهادها و نیروهای مستقل و بیطرف واسطه‌ها در هیچ حوزه‌ای قرار نیست جدی گرفته شود. احزاب و میانه‌روها در سیاست، سمن‌ها در حوزه‌های مدنی، نهادی با کارکرد شورایی نگاهی برای موضوعی چون انتخابات و داوری بر اساس قانون اساسی، روزنامه‌نگاری مستقل و قدرتمند در میان حوادث و موضوعات مختلف اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و از همه مهم‌تر عدلیه مستقل و بیطرف که حداقل برداشت عمومی درباره‌اش این گونه نیست. در این بین می‌خواهم بر نقش روایتگری مستقل و موثق تاکید کنم. منطقا کسی نباید انتظار داشته باشد که روایت صدا و سیما هر قدر که حرفه‌ای به نظر برسد مورد قبول اکثریت جامعه قرار بگیرد. این رسانه حتی

ظاهر بیطرف را هم نه خواسته و نه توانسته رعایت کند. در هر اختلافی که رخ داده، این رسانه يك طرف دعواست. میماند رسانه‌های دیگر همچون روزنامه‌ها. آیا امروز مدیر مسوول و سردبیری هست که ریسک فرستادن روزنامه‌نگاران خود به ایزه برای تهیه گزارش مستقل را به جان بخرد؟ احتمالاً در بین روزنامه‌نگاران هنوز آرمانگرایی‌های فراوانی هست تا تن به خطر بدهند و به دل ماجرا بزنند، اما مدیران و سردبیران هنوز عاقبت دو روزنامه‌نگار در بند پیش چشمشان است. و تازه فرض که رفتند و گزارش را تهیه کردند؛ اگر نتیجه گزارششان خلاف روایت رسمی باشد چه؟ آیا امکان انتشار بی‌دغدغه آن را دارند؟ آیا هنوز معلوم نشده که با فرض هزینه‌های موردی که چنین نقش‌آفرینی رسانه‌ها برای حاکمیت دارد، در مجموع و در يك نگاه کلان، وجود چنین ظرفیتی برای کشور و فیصله‌بخشی بسیاری از اختلافات و خصومت‌ها لازم است؟

□□□□□□ □□□□□□ 23 □□□□□□ 1402 □□□□□□ □□□□□□ □□□□